

عنوان مقاله:

نظریه معرفت شناختی ملاصدرا در بوته توجیه

محل انتشار:

پژوهشنامه فلسفه دین، دوره 2، شماره 1 (سال: 1383)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

بیوک علیزاده - استادیار دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

در فلسفه ی اسلامی، معرفت شناسی، پیش از ملاصدرا به طور خاص مورد عنایت فیلسوفان نبوده است؛ و آنچه در این باب آورده بودند، به تبع مسائل دیگر بوده است. ملاصدرا برای اولین بار بطور جدی این مساله را مطرح نمود و پس از نقد و بررسی اقوال فیلسوفان سلف، در باب آن، نظریه پردازی کرد. نظریه معرفت شناختی ملاصدرا، متشکل از سه مولفه ی اساسی است: صور علمی (= معلوم بالذات)، فاعل شناسا (= نفس) و نسب و روابط دوسویه ای که صورت های علمی در فرایند شناخت واجد آنها می شوند. صورت های علمی از یک سو حاکی از ماورای خود بوده و واسطه ی علم ما به اشیاء دیگر هستند و از سوی دیگر مرتبط با فاعل شناسا و حاصل در نفسند. ملاصدرا در باب هر سه مولفه ی یاد شده نوآوری هایی دارد؛ و از مجموع آنها نظریه ای ابتکاری و توانمند در باب شناخت و معرفت ساخته و پرداخته است. ملاصدرا در مقام نظریه پردازی در این باب و متلائم کردن آن با دستگاه فلسفی خود بسیار قوی ظاهر شده است، اما در مقام استدلال و توجیه نظریه خود، سخنان او قدرت و انسجام لازم را ندارد. این امر سبب تشتت آراء شارحان نظریه او و ارائه ی تقریرهای متعارض از سوی آنان شده است. مفروض این مقال آن است که نظام فلسفی صدرا ابزار و امکانات لازم را برای توجیه نظریه او دارا می باشد. از این رو در این مقاله، نخست به معرفی کوتاه نظریه معرفت شناختی ملاصدرا می پردازیم و ضمن مقایسه آن با نظریات فیلسوفان پیشین در حوزه اندیشه اسلامی، دلایل آن را بازخوانی و بازسازی می کنیم. گفتنی است که بخشی از نظریه صدرا که بیشتر از بخشهای دیگر چالش برانگیز بوده است؛ یعنی رابطه ی صورت های علمی با نفس، مورد توجه اصلی این مقاله است و تنها دلایل این بخش باز تولید شده است.

کلمات کلیدی:

نظریه شناخت، توجیه، دلیل، مدعا، نسبت، تلائم، نظام

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1879913>

